

۱۳۹۸

# اصفہا فلسفے مکتبہ

نخستین ہمایش بین المللی

مجموعہ مقالات برگزیدہ

— جلد اول —

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

**مکتب فلسفی اصفهان** اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن‌رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسور است؛ و این طریقی بود که بیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** مالرجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اِشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کرین در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای اِیحای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته-ی علمی همایش، نخست دست به کاربرسی مقالات رسیده شدیم. این مقالات در سه سطح استادان، دانشجویان و همکاری استاد و دانشجو ارائه گردید که تمامی آن‌ها توسط داوران محترم ارزیابی و پس از تایید نهایی جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات همایش آماده شد. فهرست مجموعه مقالات همایش بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شد و نمایه‌ای نیز بر پایه‌ی حروف الفبای موضوعات مقالات در آخر مجموعه افزوده شد. از آن‌جا که حجم مقالات رسیده گنجایش بیش از یک مجله را داشت و از سوی دیگر در سه سطح مذکور ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که مقالات در سه مجلد چاپ و منتشر گردد. گفتنی است که چون شماری از مقالات دریافت شده از نظر داوران محترم دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی بود، مقرر گردید که مقالات مذکور در مجله‌ی علمی پژوهشی تایخ فلسفه وابسته به بنیاد اسلامی حکمت صدرا نیز جداگانه چاپ شود که بدین‌وسیله از مسئولان آن مجله‌ی وزین به ویژه سردبیر محترم آن تشکر و قدردانی می‌شود. افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبری صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قاتنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الکلمة الطیبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

#### ۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهدنی،

دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان جناب آقای مهندس بهبهانی که از حامیان اصلی برگزاری همایش بوده و چاپ سه جلد مجموعه مقالات همایش را نیز بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نمایم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوهرنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی  
دبیر علمی نخستین همایش  
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

## فهرست

### دکتر زهرا اخوان صراف

تحلیل و بررسی دیدگاه مجلسی دوم درباره فلسفه و حکمت ..... ۱۱

### دکتر محمد حسن ادریسی

اهمیت شعر و شاعری در عصر صفویه ..... ۳۹

### دکتر فتحعلی اکبری

وحدت دین و فلسفه در حکمت متعالیه ..... ۵۹

### دکتر سید مهدی امامی جمعه

آفاق هرمنوتیکی حکمت متعالیه و رسالت اجتماعی، فرهنگی ملاصدرا ..... ۶۹

### دکتر فرزاد بالو/ دکترمهدی خبازی کناری

نگاهی تطبیقی به مشرق الانوار میرداماد و مخزن الاسرار نظامی ..... ۸۷

### دکتر اعظم رجالی

سیر عرفان در اصفهان از قرن دوازدهم تا عصر حاضر ..... ۱۰۵

### دکتر فروغ السادات رحیم پور

نمود بینش و منش شیخ بهایی و مجلسی (دوم) در رسایل اعتقادی ایشان ..... ۱۲۹

### دکتر محمود زراعت پیشه

نقد و بررسی تقسیم سه گانه حمل نزد میرداماد ..... ۱۵۳

### دکتر علی اکبر زمانی نژاد

درسهای اخلاقی و عرفانی آقا حسین خوانساری ..... ۱۷۱

### دکتر شهناز شایان‌فر

مختصات عرفان راستین نزد فیض کاشانی ..... ۲۰۳

### دکتر غلامحسین شریفی ولدانی

رشحه ای از سحاب (بررسی تأثیرپذیری سحاب اصفهانی از شعر عهد صفوی) ..... ۲۱۵

### دکتر عبدالله صلواتی

انواع انسانی نزد ملاصدرا و فیض کاشانی ..... ۲۳۱

### دکتر سید صدرالدین طاهری

اصول بنیادین نظریه ی ملاصدرا درباره ی معاد جسمانی از دیدگاه فلاسفه ی مکتب اصفهان ..... ۲۴۳

### حجه الاسلام و المسلمین احمد عابدینی نجف آبادی

بررسی حرکت، در جواهر مجرد ..... ۲۶۳

### دکتر سیداحمدعقیلی

سیرتاریخی مکتب فلسفی اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار ۱۱۳۵-۱۲۱۰ق ..... ۲۷۷

**دکتر غلامحسین عمادزاده**

بررسی دیدگاه آقاحسین خوانساری به برخی از مبانی اصالت وجود صدرایی ..... ۳۱۱

**دکتر علیرضا فاضلی**

روش شناسی سید قطب الدین نیریزی در مباحث عرفان نظری ..... ۳۲۳

**دکتر علی کرباسی زاده اصفهانی**

نگاهی به احوال و اندیشه های علامه خاتون آبادی و معرفی رساله کشف الحیرت ..... ۳۳۷

**دکتر رضا ماحوزی**

تبیین ساختار هستی‌شناختی اعیان؛ گفتگوی تطبیقی حکمای مکتب اصفهان و فیلسوفان معاصر ..... ۳۵۵

**دکتر محمد مشکات**

فلسفه تکنولوژی بر مبنای صدرالمتألهین و از منظر هایدگر ..... ۳۷۱

**دکتر محمد مهدی مشکاتی**

تحلیل دیدگاه حکیم خواجهی در باره معاد جسمانی ..... ۳۹۹

**دکتر امراله معین**

تأثیر نگرش فلسفی کرین بر دیدگاه او در مورد اصفهان: مدینه ی تمثیلی ..... ۴۱۵

**دکتر حامد ناجی**

گذری بر زندگی پیترودلاواله ..... ۴۳۱

**دکتر سیما سادات نوربخش**

ملاصدرا و مبحث عالم مثال در فلسفه سهروردی ..... ۴۴۵

**دکتر سید حسین واعظی**

تحلیل و بررسی باب سوم از رساله زواهر الحکم (میرزا حسن لاهیجی) ..... ۴۶۵

نمایه عنوان مقالات ..... ۴۸۶



## نگاهی به احوال و اندیشه‌های علامه خاتون آبادی و معرفی رساله کشف الحیرت

علی کرباسی زاده اصفهانی<sup>۱</sup>

### چکیده:

میرسید محمد اسماعیل خاتون آبادی (۱۰۳۱-۱۱۱۶ق) از حکیمان متأله، فقیهان محقق و مفسران و محدثان برجسته امامیه در قرون یازدهم و دوازدهم هجری به شمار می‌رود. نیاکان او- از نسل حسن افطس نواده‌ی امام زین العابدین علیه السلام - اند که از مدینه به مشهد و در نهایت شاخه‌ای از آنها به اصفهان کوچ نمودند. وی علاوه بر استفاده از محضر پدر دانشمندش، از بزرگانی مانند محمد تقی مجلسی، میرزا رفیعا نائینی و ملا رجبعلی تبریزی نیز بهره‌های فراوان برد. بیش از پنجاه سال در اصفهان به تدریس و تربیت دانش پژوهان و نیز امامت مسجد شاه اشتغال داشت و سی و پنج اثر ارزنده در موضوع‌های حکمت، عرفان، کلام، فقه، تفسیر، حدیث، ریاضیات، نجوم، هیأت و ادبیات از خود به جای گذاشت. خاتون آبادی فقیهی اصولی و مخالف سرسخت اخباریان، فیلسوفی مایل به حکمت مشاء و حکمت تنزیهی و مخالف حکمت صدرایی، متکلمی عقل‌گرا، عارفی متشروع و ریاضی‌دانی متبحر بود. از جمله آثار او رساله‌ی کشف الحیرت در بیان راه خداجویی و طرد دو شیوه‌ی افراطی صوفیان باطنی و فقیهان قشری ظاهری و تبیین عرفان شرعی شیعی است.

**واژگان کلیدی:** خاتون آبادی - حکمت تنزیهی - رساله کشف الحیرت - عرفان شرعی - قرب - مقبول - قرب مردود.

## مقدمه:

اصفهان سده های دهم تا دوازدهم هجری، عصر طلایی ایران و دوران درخشان فرهنگ این مرزوبوم به شمار می رود. دورانی که زیر بنای آن را اندیشه های سترگ حکیمان نام آور و فقیهان بلند آوازی مانند میرداماد، شیخ بهایی، میرفندرسکی، ملاصدرا، ملارجبعلی، آقا حسین خوانساری، مجلسی ها و خاندان خاتون آبادی ساخته و پرداخته است. علامه ملا اسماعیل خاتون آبادی اندیشمندی جامع علوم عقلی و نقلی بود و توانست در عرصه های علم و عمل و در زمینه های متنوعی مانند فقه و حکمت و عرفان و تفسیر و ریاضیات آثار و اندیشه های پویا و نوینی بیافریند. یکی از مهمترین ویژگی های این عالم بزرگ، طرح راهی میانه در عرفان و زدودن آفات و کاستی های تصوف زمان خود بود.

در این نوشتار، افزون بر آشنایی با این چهره ی برجسته و آثار و افکار او، رساله کشف الحیرت او نیز شناسانده می شود. وی که خود فقهی اصولی و فیلسوف و متکلمی عقلانی بود، طریقه ای را در عرفان پیشنهاد می کند که علاوه بر داشتن بنیانی نظری و عقلانی، از حیث سلوک عملی نیز برخوردار از پشتوانه ای کاملاً قرآنی و برگرفته از سنت است.

## نگاهی به احوال و اندیشه های علامه خاتون آبادی و معرفی رساله کشف الحیرت تولد و تحصیلات:

میر سید محمد اسماعیل ثانی<sup>۱</sup> در روز شنبه شانزدهم ربیع الثانی سال ۱۰۳۱ ق در خاتون آباد، در خاندان علم و زهد و تقوی دیده به جهان گشود. مقدمات علوم را نزد پدر دانشمندش فرا گرفت و برای استفاده از محضر علمای بزرگ شیعه راهی حوزه اصفهان شد. تفسیر و حدیث و سایر شاخه های علوم نقلی را از محضر علامه محمد تقی مجلسی و میرزا رفیعا نائینی فرا گرفت. در علوم عقلی به ویژه کلام و حکمت اسلامی نیز از محضر نائینی و به ویژه از حوزه درس فیلسوف و حکیم نامی ملا رجبعلی تبریزی بهره فراوان برد. خاتون آبادی از جانب دو استادش مجلسی و نائینی و نیز از سوی عالم محدث نامی میر محمد بن علی شرف الدین مشهور به سید میرزا جزایری (م ۱۰۹۹ق) مفتخر به دریافت اجازه حدیث گردید. خاتون آبادی

۱ - فرزند میرسید محمد باقر و او فرزند میر سید حمد اسماعیل اول است. میرسید محمد باقر از علمای پرهیزار زمان خود و از شاگردان علامه محمد تقی مجلسی بود و افزون بر مقامات علمی، دارای کرامات معنوی نیز بوده است. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲، مقدمه، ص ۵۱۷)

افزون بر دانش‌های رسمی و علوم ظاهری، از سیر و سلوک معنوی نیز غافل نبود و در علوم باطنی و طریقت عرفانی نیز از محضر شیخ و مرشد خود مولی میر سید حسن نظیری بهره بود.

خاتون آبادی اساتید و مشایخ خود را با القاب بلند و ذکر اوصاف پسندیده آنها ستوده است، از جمله درباره میرزا رفیعا می نویسد: «السید البارک الکامل العالم العامل رفیع المله و الدین محمد رفیع، رفع الله قدره» و درباره مجلسی اول می نویسد: «الشیخ العالم الکامل علامه زمانه، مولانا محمد تقی بن مجلسی تغمده الله بغفرانه»

و در جایی دیگر از همین استادش چنین یاد می کند: «شیخنا المعظم و استادنا المکرم وحید زمانه و فرید اوانه، صدر الشریعه و بدر الطریقه و احقیقه، دوحه الزهد و التقوی و حومه الورع و الزلفی الزکی النقی محمد تقی المشهور بابن مجلسی، تغمده الله بغفرانه من هو استادی و علیه فی المعلوم الدینیہ استنادی رضی الله عنه». او از استاد دیگرش حکیم ملا رجبعلی تبریزی نیز چنین نام می برد: «استاد الرجب المرجب» و «استاد البشر مولانا رجبعلی»<sup>۱</sup>

### حوزه های درسی علامه خاتون آبادی؛

علامه خاتون آبادی از همان ابتدای سکونت در اصفهان به امر تدریس و تعلیم و تربیت دانش پژوهان همت گماشت. توجه و عنایت کامل او به امر تدریس باعث شهرت او به «مدرس» گردید و خود نیز در بسیاری از آثارش نام خانوادگی اش را «مدرس» و در بعضی موارد با اضافه کردن خاتون آبادی می آورد. محل تدریس او نخست جنب همان منزلی بود که به دستور شاه سلیمان در محله قصر منشی، به او واگذار شده بود. این مدرسه به دستور شاه ساخته شد و به نام خود وی به مدرسه اسماعیله نامیده شد و نخستین مدرس آن علامه خاتون آبادی بود. وسعت آن نزدیک هفتصد ذرع، و طول و عرض آن ۲۵ در ۲۵ بوده و از مدارس دینی عهد صفویه به شمار می رود. با شهرت و اهمیت مراتب علمی علامه خاتون آبادی، وی در مسجد شاه در میدان نقش جهان به تدریس مشغول گشت و از دهه هفتاد به بعد عمر خود در تکیه ای که خود در تخت فولاد بنیان نهاد، علاوه بر تهجد و عبادت، به تدریس پرداخته و در آن جا نیز به تربیت طلاب و فضلا همت گماشت.<sup>۲</sup>

۱ - خاتون آبادی، وقایع السنین، ص ۵۰۵ و ۵۱۷؛ خاتون آبادی، معالم الدین، مخطو؛ همان، اجازه به سید محمد،

مخطو، کشف الحیرت، مخطو؛ خاتون آبادی، ص ۱۲۸؛ مهدوی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ طهرانی، ۱۳۷۲، ص ۶۱

۲- همایی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۲؛ مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۶۰؛ قمی، ص ۱۶۳؛ جناب، ص ۱۰۹؛ حسین خاتون آبادی، ص ۱۰۶.

## شاگردان و راویان:

علامه خاتون آبادی که خود جامع علوم عقلی و نقلی و صاحب نظر در علوم و معارف اسلامی بود، بیش از پنجاه سال در اصفهان تدریس کرد و شاگردان بسیاری را ترتیب نمود. محل تدریس او ابتدا در مدرسه ای جنب منزلش و سپس در جامع جدید عباسی معروف به مسجد شاه اصفهان، به مدت پنج دهه، بود که اقامه جماعت آن مسجد را نیز عهده دار شد. او علاوه بر فقه و حدیث و تفسیر، به تدریس فلسفه و علوم عقلی نیز اشتغال داشته و به ویژه در ریاضیات و نجوم، حوزه درسی او شهرت به سزایی داشته است. از شاگردان او می توان به فرزندش میر محمد باقر معروف به ملا باشی (م: ۱۱۲۷ق)، سید نعمت الله جزائری، میر سید محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی از برادر زادگان او، و شخصی به نام میر سید محمد (صاحب اجازه ای از خاتون آبادی است) اشاره کرد.<sup>۱</sup>

## امامت مسجد شاه:

خاتون آبادی به سبب مقام والای علمی و تبحر در دانش های گوناگون عقلی و نقلی به تدریس در مسجد شاه پرداخت و از آن جا که عالمی زاهد، تارک دنیا، پرهیزگار و بی اعتنا به امور مادی بود، به امامت این مسجد نیز منصوب گشت. تا پیش از خاتون آبادی، امامت مسجد شاه با شیخ الاسلام وقت، علامه میرزا محمد باقر سبزواری بود. پس از فوت سبزواری در سال ۱۰۹۰ ق پیشوایی مسجد شاه بی درنگ به دستور شاه سلیمان صفوی، به خاتون آبادی واگذار گردید. بدین ترتیب پیشوایی و امامت مسجد جامع جدید عباسی تا سال ۱۲۹۷ق در این خاندان باقی ماند و از دوران سلطنت شاه سلیمان صفوی تا عصر ناصر الدین شاه قاجار، هفت نفر از علمای بزرگ خاتون آبادی پی در پی به اقامه جماعت و ارشاد مردم و نیز تشکیل حوزه درس در این مسجد اشتغال داشته اند، بدون آن که کوچکترین دخالتی در امور موقوفات و رقبات مسجد نمایند. (حسین خاتون آبادی، ص ۱۰۶-۱۱۰).

## وفات و مدفن:

خاتون آبادی در سن هشتاد و پنج سالگی در تاریخ چهارم ربیع الثانی ۱۱۱۶ق چشم از جهان فرو بست و در همان محلی که خود حفر کرده و سالیانی در آن به تهجد و عبادت مشغول

---

۱- قمی، ص ۱۶۳، جزائری، ۱۴۰۹، ص ۱۳۰؛ خاتون آبادی، مجموعه رسایل، حواشی صفحه آخر، مخطو، همو، رساله‌ای در اجازه به میر سید محمد مخطو.

بود، آرمید. بنای اصلی که در تخت فولاد به تکیه خاتون آبادی مشهور است، مخصوص مدرسه طلاب علوم دینی و بانی آن خود خاتون آبادی بوده است و در ابتدا هشت حجره طلبه نشین و ایوان مدرس و عمارت مسجد داشته است. این محل به تدریج به مدفن بسیاری از علما بویژه سادات خاتون آبادی تبدیل گردید.<sup>۱</sup>

## آثار و تالیفات:

میر سید محمد اسماعیل مدرس خاتون آبادی علاوه بر تدریس و تعلیم فضلا و طلاب حوزه اصفهان و اشتغال به امامت جماعت و ارشاد مردم، از تالیف و تصنیف نیز غافل نبود و با تبحری که در دانش های گوناگون عقلی و نقلی داشت، در بسیاری از علوم اسلامی، آثاری ارزنده از خود به جای گذاشت. وی در زمینه های مختلف مانند فقه، ادبیات، اصول، تفسیر، حدیث، کلام، فلسفه، عرفان، ریاضیات و نجوم دست به تالیف زده است که هیچ یک تاکنون چاپ نشده است.

آثار مدرس خاتون آبادی اعم از رسایل یا کتاب های مستقل و حواشی یا تعلیقات، در دانش های گوناگون عقلی و نقلی، مطابق به تربیت الفبایی، شرح زیر است:

- ۱- «اجازه لیسید محمد»، به عربی در چهار صفحه
- ۲- «اخبار و اجتهاد»؛ به فارسی در بیان اشتباهات و مغالطات اخباریان.
- ۳- «اعتقادیه»؛ به فارسی در کلام و اعتقادات
- ۴- «انموذج العلوم» به عربی، در مباحث ریاضی و هندسی.
- ۵- «التحفة الرضویه» به عربی، رساله ای مبسوط در سی و سه صفحه در شرح حدیث عمران صابی.
- ۶- «تحقیق در باب هفتاد و پنج لشکر عقل و جهل» به فارسی
- ۷- «تعلیقات»؛ به عربی، در بردارنده بیست و هشت تعلیقه در مباحث گوناگون فلسفی، فقهی، حدیثی، کلامی، ریاضی و طبی.
- ۸- «تعلیقات بر تحریر مجسطی» به عربی، در مباحث نجوم و هیات.
- ۹- «تفسیر قرآن کریم» به فارسی

- ۱۰- «تقویم الایمان و تحقیق الایقان» به فارسی در دومجلد در اثبات امامت حضرت علی و در تحقیق مراتب سیر و سلوک.
- ۱۱- «تنقیح العقاید» به عربی در علم کلام.
- ۱۲- «جامع الاخبار و الفتاوی»
- ۱۳- «جبر و اختیار»
- ۱۴- «الجبر و القدر»
- ۱۵- «جواب مسائل و شبهات خراسانیات» به فارسی و عربی در پاسخ به شبهات اخباریان خراسان.
- ۱۶- «جواب به رساله شیخ ابراهیم کردی»؛ به عربی
- ۱۷- «حاشیه الشفاء»
- ۱۸- «حواشی بر وقایع السنین و الاعوام»؛ به فارسی
- ۱۹- «الحواشی علی شرح الاشارات»؛ به عربی.
- ۲۰- «حواشی و تعلیقات بر حواشی میر سید شریف» بر کتاب مطول تفتازانی
- ۲۱- «حواشی و تعلیقات بر اعتراضات میر سید شریف جرجانی بر تفتازانی در حاشیه کشاف»؛ به عربی.
- ۲۲- «رجال» به عربی.
- ۲۳- رساله ی ناتمام و بدون نام، به فارسی.
- ۲۴- «زادالمسافرین و تحفه السالکین» به فارسی در ذکر اعتقادات اصولی و فروعی.
- ۲۵- «شرح اصول کافی» به عربی. مجموعه ی مفصل و مبسوط در پنج مجلد.
- ۲۶- «شرح اعتقادات یا شرح اعتقادات صدوق»؛ به عربی.
- ۲۷- «شرح شرح العقائد العضدی»؛ به عربی.
- ۲۸- «صلاه جمعه» به عربی.
- ۲۹- «صیغ النکاح» رساله ای در فقه به فارسی.
- ۳۰- «عقاید» به فارسی
- ۳۱- «عقاید اصولین» به فارسی و عربی.
- ۳۲- «کلمات»؛ به فارسی در مباحث متنوع.
- ۳۳- «معالم الدین و معارج الیقین فی اصول الدین و الوصول الی الحق المبین»؛ به فارسی.
- ۳۴- «منهاج الیقین فی اصول الدین و معارج الاذهان الی درج العرفان» به عربی.

۳۵- «نوروزیه» به فارسی<sup>۱</sup>.

### جایگاه مدرس خاتون آبادی در مکتب فقهی و فلسفی اصفهان:

میر سید محمد اسماعیل مدرس خاتون آبادی در زمانی می زیست که ایران یکی از درخشان تر و اصفهان نیز پرشکوه ترین ادوار تاریخی خود را سپری می کرد. اصفهان عصر او شهر فقیهان و محدثان، دیار حکیمان، متکلمان و عارفان محفل شاعران و ادیبان و ساخته مهندسان و منجمان بود. خاتون آبادی که دست پرورده نسل دوم بزرگان مکتب اصفهان بود خود از علمای جامع منقول و معقول و مدرسان نامدار حوزه اصفهان در عصر صفوی است. او فقیه و محدثی توانا و مجتهدی صاحب نظر بود که در زمره پیروان مسلک اجتهادی اصولی به شمار می رفت و در زمانی که تفکر اخباریان بر حوزه اصفهان تاثیر گذار بود، به مخالفت شدید با آن برخاست. فیلسوف و حکیمی ماهر بود که در دوران ظهور مکتب فلسفی اصفهان به رویارویی با آرای فلسفی و فیلسوفان آن دوره مانند ملاصدرا و ملا رجبعلی برخاست و در آثار خود به نقد و بررسی افکار فلسفی آن زمان مبادرت ورزید. ریاضی دان، مهندس و ستاره شناس برجسته ای بود که شهرت ویژه ای به تدریس و تعلیم علوم ریاضی داشت و آثاری نیز از خود به جای گذاشت. وی عارفی زاهد و درویشی سالک و پرهیزگار بود که به تبیین نقادانه مبانی عرفان نظری، نقد تصوف عملی و متمایز نمودن عرفان صحیح شرعی از عرفان غیر شرعی همت گمارد.

### مهندس، ریاضی دان و نجومی دان متبحر:

در شرح احوال مدرس خاتون آبادی ذکر شد که وی مدرس بزرگ علوم نقلی و عقلی به ویژه ریاضیات به شمار می رفته است. در میان رسائل و آثار به جای مانده از وی رساله «انموذج العلوم»، «تعلیقه بر تحریر مجسطی»، «نوروزیه» و بخشی از «رساله تعلیقات» به مباحث هندسی، ریاضی و نجوم اختصاص یافته است. وی در رساله «انموذج العلوم» با پرداختن به تبیین و بررسی مقاله سوم از کتاب اصول اقلیدس در بیان برخی معضلات آن، راه حل ملا

---

۱- بنگرید به: حائری ۱۳۴۸، ج ۱۰/۳؛ همو ۱۳۴۷، ج ۱۰/۱ و جلد ۲/۱۰؛ درایتی ۱۳۸۹، ج ۲/۸؛ گزی، ص ۵۷؛ طهرانی، ج ۴/۶ و ج ۱۰؛ اشکوری ۱۳۷۵، ج ۲۶؛ معلم حبیب آبادی ۱۳۵۱، ج ۳؛ قزوینی ۱۴۰۷، ص ۶۹؛ حجتی، ج ۶ ص ۲۳/۵؛ دانش پژوه، ج ۳، ص ۱۱۵۹؛ آثار و رسایل خاتون آبادی، مخطوط.

جلال الدین دوانی از رساله «انموذج العلوم» او را ارائه کرده و عبارات و راه حل میر داماد و نیز اشکالات غیاث الدین منصور دشتکی معروف به غیاث الحکما را بر محقق دوانی ذکر می‌کند. مدرس خاتون آبادی، طریق هیچ یک از دانشمندان مذکور و نیز یکی از فضلا و ادکیای معاصرش را در حل مشکل مطرح در مقاله سوم اصول اقلیدس کافی ندانسته و آن گاه با بیان مقدماتی چند به ارائه راه حلی که با توفیق خدایی به او الهام شده می‌پردازد.

پس از ارائه پیشنهاد و راه حل خود می‌نویسد این مطلب برای کسی که کمترین تدبیری در فنون ریاضی و طبیعیات و الهیات داشته باشد، روشن است ولی بزرگان علمای ریاضی و حکمای طبیعی و الهی از این نکته غفلت کرده‌اند. زیرا ریاضی دان‌ها از مطالب حکمای طبیعی و الهی ناآگاهند و حکما نیز از اصول ریاضی بی‌اطلاع‌اند و فی الجمله، عدم جامعیت آنها منشاء این غفلت شده است. وی پس از نقض و ابرام در آرای دوانی و میرداماد در حل پاره‌ای از مشکلات ریاضی و هندسی، خبر از رساله هندسی آقا حسین خوانساری می‌دهد و با ذکر القاب بلند و ستایش آمیز درباره آقا حسین، و اینکه رساله مذکور در بردارنده مطالبی گران بها و نکاتی ارزشمند است، مطالب آن را در موضوع زاویه نقل کرده و به نقد و بررسی آن پرداخته است. به عقیده خاتون آبادی، رساله هندسی آقا حسین حاوی نکته جدیدی نیست و همان عبارات دوانی و میر داماد و اعتراضات غیاث الحکما بر دوانی است و از آن جا که این مطالب، مبتنی بر مقدمات ریاضی بوده و آقا حسین متخصص این فن نبوده، مباحث آن، خالی از تحقق و تدبر است؛ آن گاه به نقض عبارت خوانساری و ارائه دیدگاه خود پرداخته است.<sup>۱</sup>

### فقیه اصولی مجاهد و مخالف سرسخت اخباریان؛

با روی کار آمدن صفویه و رونق مذهب تشیع در ابعاد گوناگون آن، از یک سو تجدید حیات تفکر فلسفی در مکتب اصفهان، و از دیگر سو زعامت و ریاست فقیهان اصولی و مجتهدان نامی، توجه به عقل و منزلت آن به گونه‌ای همه جانبه مورد توجه قرار گرفت. اما دیری نگذشت که جریان‌های فکری دیگری سر برآورد و از جمله، گروهی از علمای امامیه به جایگاه عقل در مباحث دینی خرده گرفته و شعار «پیروی مطلق از احادیث اهل بیت» سر دادند و از این رو به «اخباریه» شهرت یافتند.



مدرس خاتون آبادی درست در اوایل رواج تفکر اخباری‌گری در مرکز پایتخت حکومت صفویه یعنی اصفهان به سر می‌برد. او به عنوان یک فقیه و مجتهد اصولی و از دیگر سو به مثابه یک فیلسوف عقل‌گرا، به مبارزه با این تفکر پرداخت و چه از راه بیان و گفتگو و یا با قلم و تالیف، به اثبات نادرستی این تفکر، بیان عواقب و پی‌آمدهای خطرناک آن و نیز بیان سبب رواج این گونه اندیشه‌ها مبادرت ورزید.

علامه خاتون آبادی چه در ضمن آثار دیگرش و چه به گونه‌ای مستقل به رویارویی با این تفکر پرداخته و دلایل و توجیهاات حامیان آن را نقد و بررسی کرده است. او در «شرح اصول کافی» به ویژه در جلد نخست آن همچنین در کتاب **معالم الدین و معارج الیقین**، و به گونه مستقل نیز در دو رساله **جواب به شبهات خراسانیات و رساله در بیان اخبار و اجتهاد** که هر دو را به فارسی نوشته، به تفصیل آرا و دلایل آنها را نقض و طرد نموده است.

به گفته خاتون آبادی، ابتدای ورود مسلک اخباریان به اصفهان در همان اوایل دوران جوانی و اشتغال او به تحصیل، یعنی اوایل قرن یازدهم هجری، بوده است. در این زمان شخصی به نام امیر فخرالدین حیدر از سادات لنکری اصفهان در بازگشت از مکه معظمه، کتاب **فوائد المدینه** ملا محمد امین استرآبادی، بنیان‌گذار مکتب اخباریه، را با خود به اصفهان آورد و به تدریج خواص و عوام مردم با آن آشنا شدند. گروهی به قصد آن که طریقه اخباری، شیوه‌ای سهل و آسان بوده و همین که کتاب حدیث به دست‌گرفتی، از زمره فقیهان و عالمان دین خواهی بود، از این مسلک حمایت کردند. اما دو گروه نیز به سبب اغراض شخصی و ترویج افکار باطل خود و نه از روی صداقت و یا پیروی از اخبار و احادیث، از این مسلک جانبداری کردند. یکی مخالفان با حکمت و فلسفه و دیگری اهل تصوف.<sup>۱</sup>

ملا امین استرآبادی و حامیانش به صرف ادعای پیروی مطلق از اخبار معصومان (ع) طریقه خود را «اخباری» و در واقع تداوم شیوه قدمای امامیه در سده‌های نخستین و حتی در عصر حضور دانسته‌اند. اینان معتقدند که شیوه‌ی علمای شیعه از شیخ مفید به بعد، بدعت در دین بوده و خود، به پیروی از قدمای امامیه، اجتهاد را طرد و کنار گذاشته‌اند. خاتون آبادی، این شبهه و طعن اخباریان بر ضد اصولیان را کاملاً بی‌اساس می‌داند و معتقد است اگر چه گرایش به اخبار، گرایش غالب محدثان و فقیهان در دوره حضور بوده و حتی ثقه الاسلام کلینی را شیخ الاخباریین می‌نامد، ولی توضیح می‌دهد که استرآبادی و همفکرانش از این

۱- خاتون آبادی، جواب به شبهات خراسانیات، مخطوط.

واقعیت غافلند که گرایش علمای پیشین به اخبار نه به خاطر رد اجتهاد از سوی ائمه بلکه به علت حضور امامان در جامعه و بی‌نیازی نسبی شیعیان از اجتهاد بوده است. گرایش علمای شیعه به اجتهاد در دوران غیبت به سبب مقتضیان زمان و مکان بوده و ربطی به درستی یا نادرستی اصل اجتهاد ندارد.<sup>۱</sup>

### فیلسوف و متکلم عقل‌گرا:

اصفهان عصر خاتون آبادی شاهد نگرشی نو در فلسفه اسلامی و ایرانی و مجدد حیات معنوی در علوم عقلی بود. دورانی که مذهب تشیع برای همیشه از خفا خارج شده بود، مکتب فلسفی بزرگی پدید آمد که پس از گذشت چهار قرن از آن، همچنان تار و پود فکری و فلسفی ایرانیان را تشکیل می‌دهد. مدرس خاتون آبادی درس فلسفه و حکمت الهی را از نسل دوم فیلسوفان نامی مکتب اصفهان یعنی ملا رجبعلی تبریزی و میرزا رفیع‌ای نائینی که هر دو از شاگردان میر فندرسکی بودند، آموخت. اما روحیه آزاد و به دور از تعصب و تقلید او باعث شد تا به عنوان حکیمی مستقل، مکاتب فلسفی آن دوره مانند حکمت متعالیه صدرایی و حکمت تنزیهی تبریزی را نقد و بررسی نموده و آرای خود را مطرح نماید. او با آن که از استاد بزرگش در فلسفه یعنی حکیم تبریزی<sup>۲</sup> با تجلیل و عظمت نام می‌برد و برخی از آرای او را می‌پذیرد ولی در بسیاری از مسائل فلسفی نیز به نقد دیدگاه استاد پرداخته است. از آرای ابتکاری ملاصدرا نیز به شدت انتقاد نموده و با معیار مورد قبول خود که عبارت از مطابقت با نصوص قرآنی و اخبار مذهب شیعی است، به رد آنها پرداخته است.

اگرچه مدرس خاتون آبادی پاره‌ای از آرای استادش را پذیرفته و در آثار گوناگون کلامی، فلسفی و تفسیری خود به تبیین آنها و بیان فروعات و پی‌آمدهایش پرداخته است مانند قول به اشتراک لفظی وجود، اصالت ماهیت و مانند آن؛ ولی حتی در همین موارد تشابه نیز اختلافاتی با دیدگاه استاد نشان می‌دهد. به جز این موارد در اکثر مسائل فلسفی به نقد آرای استاد و طرح دیدگاه خود مبادرت ورزیده است.

از جمله آرای حکیم تبریزی که خاتون آبادی بر آنها خرده گرفته، عبارتند از: ۱- اشکال بر استدلال استاد بر ابطال وجود ذهنی؛<sup>۲</sup> ۲- رد توجیه حکیم در انکار حرکت در مقوله وضع؛<sup>۳</sup>

۱ - همان؛ خاتون آبادی شرح اصول کافی، ج ۱، مخطوط.

۲ - درباره‌ی احوال و اندیشه‌ها و آثار حکیم تبریزی بنگرید به مقاله‌ی نگارنده: «رویارویی مدرسه ملارجبعلی تبریزی با مدرسه ملاصدرا»، مجموعه مقالات همایش فاضل سراب.

انکار قول استاد در قائل نبودن به تدریج در حرکت؛ ۴- رد دیدگاه حکیم در انکار مبدا و منتهی حرکت؛ ۵- مخالفت با نظریهٔ استاد در عدم تعلق حرکت به زمان؛ ۶- اظهار شگفتی و رد قول استاد به ذاتی نبودن احراق برای آتش؛ ۷- انکار دیدگاه حکیم در قائل شدن به نفس مجرد برای حیوانات<sup>۱</sup>.

و اما با خروج صدر المتالهین شیرازی از اصفهان به قم و سپس بازگشت به زادگاهش شیراز، حوزهٔ فلسفی اصفهان در حدود یک سده تمام در دست حکیمان و فیلسوفانی بود که با مبانی صدرایی مخالف بودند. از یک سو مدرسهٔ ملارجعلی تبریزی و شاگردانش و از سوی دیگر مدارس شاگردان میرفندرسکی مانند آقا حسین خوانساری، ملا محمد باقر سبزواری، میرزا رفیعا نائینی و آقا جمال خوانساری که هر چند متن درسی آنان کتب شیخ الرئیس به ویژه شفای او بود؛ ولی در تعالیق و حواشی خود و نیز در لابلائی مباحث خود در درس به طرح و نقد افکار ملاصدرا می پرداختند. به نظر می رسد که خاتون آبادی بیش از همه به طرح آرای ملاصدرا و نقد و بررسی آن همت گماشته و در اکثر آثار خود به مقابله با او پرداخته است. خاتون آبادی در عین احترام به مقام شامخ علمی و مراتب والای روحی و معنوی ملاصدار و تعبیر از او در برخی آثارش مانند: **معالم الدین**، **تنقیح العقاید** و **شرح اصول کافی** به «صدر الفضلای شیرازی» «صدر المحققین» «صدر المتأخرین» و حتی نقل و استفاده علمی از برخی عبارات و مطالب ملاصدرا، در مواردی که آرای او را با مبانی قرآنی و روایی و اصول کلام شیعی ناسازگار می بیند، به رد و انکار آن ها می پردازد.

تعلیقات ملاصدرا بر **الهیات شفا** و تعلیقاتش بر **حکمه الاشراق** و نیز **شرح اصول کافی** او از جمله آثاری است که خاتون آبادی از آنها در آثارش نقل و به تحلیل و بررسی آن پرداخته است. نقد و اعتراض خاتون آبادی فقط به ملاصدرا محدود نمی شود، بلکه به دیگر فیلسوفانی که آرای شبیه به او داشته و یا پیروی از ملاصدرا کرده اند نیز به شدت تاخته است. خاتون آبادی در «شرح اصول کافی» خود با تعبیر از ملاصدرا به «شارح قدیم» و از ملا صالح مازندرانی به «شارح جدید» و ملامحسن فیض به «صاحب وافی»، از همه شارحان نامبرده به سبب خلط قواعد فلسفی و عرفانی با مباحث قرآنی و روایی و اصول کلامی، انتقاد کرده و در پاره ای موارد، میرداماد را نیز دچار همین مشکل دانسته است. در مجموع می توان

۱ - خاتون آبادی، تعلیقات، مخطوط؛ همو، شرح اصول کافی.

آن دسته از آرای ملاصدرا و پیروان حکمت متعالیه را که مدرس خاتون آبادی با آنها مخالفت کرده است. در موارد زیر برشمرد:

- ۱- اشتراک معنوی وجود؛ ۲- وحدت وجود و موجود؛ ۳- حرکت جوهری؛ ۴- معاد مثالی، ۵-
- عینیت صفات با ذات، ۶- برهان صدیقین؛ ۷- مثل افلاطونیه؛ ۸- اتحاد عقل و عاقل و معقول<sup>۱</sup>.

### معرفی رساله ی کشف الحیرت:

خاتون آبادی در ابتدای کتاب تقویم الایمان<sup>۲</sup> پس از حمد و ثنای پروردگار و درود و صلوات بر پیامبر و آل او، می نویسد که چون سعی در ارشاد خلق به دین قویم و صراط مستقیم از اعظم ثبوتات و اقرب قربات بود. لذا بر آن شده تا «احادیث مروی به طریق عامه را که متعلق به مسائل امامت و سایر عقاید شیعه اثنا عشریه» و در تقویت باورهای شیعه موثر است، از صحاح سته مشهور میان اهل سنت، بیرون نوشته و به فارسی ترجمه کند و پیرامون هر حدیثی نیز به بیان استنباط، استدلال و فوائد دیگر بپردازد. وی پس از اتمام بحث امامت و بیان شایستگی حضرت امام علی (ع) به عنوان جانشین بلافصل پیامبر از دیدگاه اهل سنت، می نویسد، «این مجلد را به این قدر ختم کرده، مجلد ثانی شروع می شود در تحقیق مراتب سلوک الی الله، درجات قرب و وصول به ملاء اعلی و طریق ریاضات حقه و مجاهدات محققه که اسباب وصول تقرب خدا و آلات تحصیل درجات اعلی است که تا به این بیانات تقویم ایمان و تحقیق ایمان خلق الله بشود...» آنگاه جلد دوم کتاب را با حمد و ثنای الهی و درود بر پیشوایان آسمانی آغاز کرده و می نویسد: «اما بعد پس این مجلد ثانی از تقویم الایمان و تحقیق الایقان در تحقیق مراتب سیر و سلوک الی الله است به طریق مقبول که مناط قبول است عندالله و چون طریق قبول نیست الا به تکمیل اعتقاداً و عملاً و خلقاً این جلد محبوب شد به مقدمه و سه باب و خاتمه. اما مقدمه مشتمل است بر دوازده فصل». با این حال، تنها نسخه

۱ - خاتون آبادی، شرح اصول کافی، ج ۴-۱، مخطوط.

۲ - تقویم الایمان و تحقیق الایقان به فارسی و در دو مجلد است. هر دو جلد در مجموعه ۶۷۵۸۸ به شماره ۱۱۸۲۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی به خط نستعلیق محمد شفیع فیروز آبادی موجود است و تنها نسخه ایست که از این کتاب در دسترس است. جلد اول کتاب در سال ۱۰۵۸ و جلد دوم آن در ۱۰۹۹ کتابت شده است. (غلامی مقدم، ج ۱۴، ص ۱۵۳)؛ خاتون آبادی رساله تقویم الایمان، مخطوط.

ای که از این اثر در دسترس است، چهل و سه صفحه بوده و فقط پنج فصل اول مقدمه را در بر می‌گیرد و متأسفانه هیچ آگاهی از بقیه‌ی این اثر گرانسنگ نداریم.

**فصل اول مقدمه** در بیان غرض مولف از تالیف این کتاب است. وی در بیان انگیزه خود از این تالیف می‌گوید: که در زمانی به سر می‌برده که مردم تابع هواهای نفسانی و مقلد راه و رسم شیوه‌های انحرافی شده و از جاده حقیقت و صراط مستقیم دور افتاده‌اند. او اهل زمان خود را به سه گروه تقسیم کرده است: دو گروه منشا ضلالت شده و دسته‌ی سوم یعنی عوام الناس که قدرت تشخیص ندارند در پی آنها رفته و گمراه گشته‌اند.

گروه اول «خود را اصفوی نام نهاده و چنان فهمیده و دانسته‌اند که تصوف مذهبی است و رای مذهب حق ایمان و اسلام و اثنا عشریه». صوفیان برای خود اصول و فروعی نیز قائلند. اصول ایشان عبارت از باورهایی مانند: وحدت وجود بلکه وحدت موجود، مظهر خدا دانستن همه‌ی اشیا، قول به جبر، عبادت پنداشتن هرچه مناط قرب و ذوق و طرب باشد و ... اما فروع صوفیه، اعمالی چند است مانند: صوف و پشمینه پوشیدن، چله نشستن، حیوانی نخوردن، ذکر جلی کردن، شنیدن صدای خوش و نعمات طرب انگیز، هر آنچه باعث شور و وجد و رقت قلب شود، ترک مطالعه و مباحث علمی، صلح کل با خلق الله، تعصب نورزیدن در امور دینی و ... خاتون آبادی پس از اشاره به برخی از فروع صوفیه، بحث نسبتاً مفصلی درباره معنای صوفی و اشتقاق آن از واژه صوف و سیره انبیاء در پوشاک و لباس آورده و پس از استتسهاد به عبارات امام علی (ع) در نهج البلاغه، چنین نتیجه می‌گیرد که «معنی صوفی زاهد مرتاض متعبد به عبارت حقه مجتهد در عبادت است در هر شرع که باشد به عبادات حقه آن شرع...»<sup>۱</sup> آنگاه به تقسیم بندی میر سید شریف در حاشیه **مطالع** اشاره می‌کند که معرفت مبدا و معاد دارای دو طریق است: طریقه اول نظر و استدلال و طریقه دوم طریقه اهل ریاضت و مجاهدت. اهل استدلال نیز اگر ملتزم شرع باشند متکلمان و اگر ملتزم نباشند، حکمای مشا نامیده می‌شوند. اهل مجاهدات و ریاضات نیز اگر ریاضت هایشان موافق شریعت باشد، ایشان را صوفیه و اگر موافق نباشد، حکمای اشراق می‌گویند.

خاتون آبادی بر این اساس میان صوفی به معنای متشرع متعبد زاهد با صوفیانی که اصول و فروعی را از خود ساخته و جعل کرده‌اند، تفاوت قائل شده و معتقد است صوفی راستین چه در

۱- برای بحث مبسوط پیرامون عرفان و تصوف راستین در مکتب اصفهان بنگرید به: کرباسی زاده، «ریشه‌ها و مبانی مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع...»، مجله تاریخ فلسفه، شماره ۶.

عقاید و چه در رفتارها باید تابع شریعت باشد. در ادامه بحث، قرآن و اخبار و سنت را میزان و ملاک تشخیص باورها و رفتارهای صحیح شرعی از غیر شرعی دانسته و مکاشفات و تأویلات صوفیه را با این محک می‌سنجد.

و اما گروه دوم «خود را واعظ متشرع و مرشد نام نهاده اند و ... کمال نوع انسان را دانستن مسائل حیض و استحاضه و زیارات از راه دور و آنچه منافر یقین عوام باشد دانسته اند و از اصول دین و معارف و اخلاق و زهد از دنیا و تخلق به اخلاق الله و تذکر هادم لذات و فکر مردن و ... را مطلق فراموش کرده اند و ظاهر را به فنون شریعت متعلقه ظاهره آراسته، باطن را به فنون جهل و حرص و آز و حسد و ... پیراسته ... شرع را و سیله دنیا نموده امثال یهود، دین به دنیا می‌فروشند»

وی پس از اشاره به گروه سوم یعنی عوام الناس که به سبب نداشتن قدرت تمیز دچار سرگردانی و حیرت شده اند، می‌نویسد «این بی بضاعت چون مدتی خدمت علما و برخی نیز خدمت درویشان کرده بود و ... بی تعصب و تقلید راه حق جویی را فهمیده ام و لازم دانسته ام در حق خود بیان طریقه حقه را که فردای قیامت حجت نشود به این فقیر که هرگاه دیدی و کشف حیرت ایشان را به اعتقاد ناقص خود دانستی چرا بیان نکردی که تا شاید کشف حیرت خلق می‌شد و لهذا این مجلد مسمی شد به کشف الحیرت از تحقیق الایمان در بیان طریق حق از خدا جویی و خدا پرستی که راه نجات و وسیله قرب و باعث سعادت و حیوه است...»

### **فصل دوم مقدمه** در بیان معنی و مراتب و اقسام قرب است.

آنچه در سلوک الی الله اهمیت بنیادی دارد، حصول قرب و نزدیکی به بارگاه خدایی است. قرب، به نظر خاتون آبادی، دارای دو گونه می‌مقبول و مردود است. او قرب را به طور کلی چنین تعریف می‌کند: «قرب مطلق عبارت است از ربط به بارگاه احدیت به سبب تجرد و تقدس و صفاتی که به هم رسد نفس ناطقه مجرد را به سبب ذکر خدای عزوجل و ترک شهوات و لذات و اموری که باعث زبیدی قوای حیوانی می‌شود» اما به عقیده وی، قرب گاهی نیز بدون ذکر خدای عزوجل حاصل می‌گردد و با صرف تصفیه نفس از کدورات جسمانی و عوایق جسمانی و شواغل نفس از مطالعه عالم ملکوت و نظارات حواس و اشتغال به امور جسمانی تحقق می‌یابد. در چنین حالتی نیز مشاهده اشراقات و اسرار و مغیبات عالم قدس روی می‌دهد و بسته به شدت یا ضعف توجه به عالم قدس و تجرد از علایق جسمانی، این ربط و قرب نیز مختلف می‌شود. چرا که نفوس از حیث تجرد و تدنس و روحانیت و جسمانیت، انواع مختلف اند و این اختلافات نوعی با لذات، مراتب غیر متناهی دارد واعلی

مرتبه آن، اولوالعزم است و عالی تر از آن، مرتبه ی خاتم الرسل است و چون اختلاف این انواع با لذات است، رعیت به مرتبه امام زمان نمی توانند رسید.

بدین ترتیب به نظر خاتون آبادی صرف قرب و ارتباط با عالم قدس، موجب رستگاری نیست و اگر سبب نجات باشد و از قسم قرب مقبول، باز مشروط به سلامت عاقبت است و از قول ملاصدرا - با تعبیر از او به «صدر الفضلای شیرازی» - نقل می کند که سالک چه بسا در عین وصول، باز هم امری از او صادر گردد که سبب کفر او شود. از این رو قرب می تواند با فسق و کفر نیز همراه باشد. بنابراین قرب مقبول «آن است که بر وفق فرموده شارع و بر نسق قوانین شرعیه و نوامیس الهیه باشد که متلقى از جانب الله است و وصول به آن قرب از راه ریاضات شرعیه و مشاق تکالیف الهیه باشد و در هیچ امر انحراف از جاده شریعت و ملت بیضا نورزیده باشد چنانچه محققین صوفیه و حکما ذکر کرده اند.» وی پس از بیان اقوال محققان صوفیه و حکما، به ذکر نمونه هایی از قرب و وصول که بر وفق موازین شرعی نیست مانند اعمال براهمه و جورکیان و نیز کهنه و شعبده بازان اشاره می کند؛ سپس از قول شیخ و مرشد طریقت خود مولانا سید حسن مشهور به نظیری نقل می کند که «مرا بر درویشان بحثی است که شما به ولایت جمعی از درویشان قائلید و معترف که فسق و خلاف شرع می کرده اند بلا شک مثل مولانای رومی که در مجلس او بلاشک ساز می نواختند و چگونه ولایت و خلاف شرع و فسق با یکدیگر جمع می توانند شد؟ معقول است ولی فاسق؟!» و پاسخ این اشکال را از قول همین شیخ طریقت خود چنین می آورد که ولایت بر دو قسم شرعی و غیر شرعی است و ولایت شرعی با خلاف شرع جمع نمی شود.

**فصل سوم مقدمه** در بیان راه نجات و قرب و خداجویی و سلوک الی الله است که با ترک هر رسم و عادتى جز رسم و راه شریعت محقق می گردد. چرا که سالک ناجی باید فقط مطلوب حقیقی را در نظر داشته باشد و این جز با عبادت و ترک محبت ماسوا بدست نمی آید. زیرا ماسوا اجنبی و واسطه است در میان طالب و مطلوب، و مانع توجه طالب به مطلوب می شود و همین که غیر و ماسوا در نظر طالب درآید، غافل از مطلوب خدا خواهد بود؛ تا آن جا که سالک بایستی غیر و ماسوا را معدوم دانسته، اصلاً در نظر نیاورد. بدین ترتیب هرگاه غیر و ماسوا مدّ نظر نباشد، توجه به غیر خدا فقط از آنرو خواهد بود که سبب قرب و رضاء الهی است و در نظر داشتن پیامبران و امامان و اهل الله از آن حیثیت است که وسایل و ذرایع صول اند. از نگاه خاتون آبادی، محبت دنیا مهمترین عامل انحراف سالک و مانع توجه او به مطلوب حقیقی بوده و از جمله شرایط و ارکان اصلی سلوک الهی را احتراز سالک از دنیامداران مگر به

قدر ضرورت و اجتناب کامل از معاشرت با فسّاق و فجّار و ارباب جاه و جور می‌داند. به نظر خاتون آبادی آشکار ترین نشانه عالم مفتون به دنیا، دنیا دوستی یعنی جمع مال، افعال و امور جاه طلبانه، میل به ظلم، رفت و آمد به اهل زور و تزویر، متلبس شدن به لباس و رسوم دنیا مداران، جمع و صرف مال در غیر فرموده شارع و مانند آن است. از این رو اهل الله و فقرا (نه متصوفه ی جاهل) بر علمای مفتون و گمراه همواره طعنه زده و از ایشان احتراز می‌نمایند. او به سالکان راه حق توصیه می‌کند که راه سلوک را که راه شرع است میزان و سرمشق قرار دهند و میزان شرع را از عالم مفتون دنیا اخذ نکنند. که قطاع الطريق است؛ بلکه یا خود از راه حق استدلال، اصول را به دلایل اصولی و فروع را به دلایل فروعی اخذ کنند و یا از عالم غیر مفتون به دنیا. در این سلوک، شیخ رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است و خلیفه امیر المومنین (علیه السلام).

**فصل چهارم مقدمه** در بیان طریق معرفت مبدا و معاد و اقسام آن است. یکی طریقه ی استدلال و دیگری طریقه ریاضت و مجاهده. گروهی راه ریاضت را بر طریقه استدلال به سبب وقوع خطا و خلل بسیار در آن ترجیح داده اند و معتقدند که در طریق کشف و مشاهده خطا و خللی در کار نیست. خاتون آبادی گاه به بیان دیدگاه این گروه از عرفا و صوفیه می‌پردازد که بزرگترین خطای استدلال را معارضه وهم با عقل می‌دانند. از آنجا که نفس را صفایی نیست و تصفیه نشده، وهم بر معقولات، با احکام موهومات حکم می‌کند و در استنباط نیز چون تصفیه صورت نگرفته، میان معانی جزئیّه و عقلیه با ترتیب مقدمات و استنتاج نتایج اشتباه رخ می‌دهد. به نظر خاتون آبادی هر چند در طریقه استدلال معارضه عقل با وهم اتفاق می‌افتد ولی این خطا در طریقه کشف و مشاهده، بیشتر رخ می‌دهد، زیرا که «در حال تصفیه اگر نفس را جلایی به هم رسد و در مشاهده ی عالم غیب و قدس به مرتبه ای رسد که حواس و قوا باطل شوند و وهم و متخیله به کل معطل شوند به حیثیتی که نفس را هیچ شاغل و مانع از اتصال به عالم غیب نماند و مشاهده عالم قدس و جبروت کند در این صورت از معارضه وهم فارغ خواهد بود و ... هیچ شبهه در کشف معنی مشاهده نخواهد بود... [ولی] این حال در طایفه رعایا نمی‌باشد بلکه در طایفه انبیا می‌باشد...» به نظر خاتون آبادی، نفس هر چند به عالم غیب هم اتصال داشته باشد ولی تا تعلق به بدن دارد، ناچار دارای محاکات و وهم و خیال است و در حال محاکات، باز وهم و متخیله معارضه می‌کنند و اشتباه و خلل روی می‌دهد. از این رو در کشف و مشاهده (به جز معصومان) اشتباه رخ می‌



دهد و کشف‌های مختلف و متضاد از مشایخ نیز بسیار نقل شده است؛ بسیار بیش از افکار و استدلال‌های متضادی که از اهل استدلال نقل شده است.

از دیدگاه خاتون آبادی نمی‌توان میان دو طریق استدلال و کشف یکی رابه نفع دیگری کنار زد. «حق آن است که طریقه یکی است. که استدلال باید کرد بعد از تصفیۀ نفس، و نفس را باید اولاً تصفیه کرد و ثانیاً به قوانین منطقیۀ ذاتیات و عرضیات، و جنس و فصل را از یکدیگر امتیاز کرد و مقدمات را ملاحظه نمود و استنتاج نتیجه کرد». وی سپس آیاتی از آن را بر این طریق، به عنوان شاهد ذکر می‌کند. در هر حال «در طریق کشف، خطا بسیار است و بنای عقاید خود را بر کشف محض گذاشتن بی‌عرض بر استدلال و بعد از آن بی‌عرض بر قرآن و اخبار مشکل است... و طریقه استدلال نیز خطر دارد بنا بر معارضه ی وهم ... و از این راه اعتماد بر برهان کردن بی‌عرض به میزان شرع بعد از عرض بر میزان منطق مشکل است...»

**فصل پنجم مقدمه** در بیان اصطلاحات اهل تصوف است که دانستن آنها برای سالک سودمند است. خاتون آبادی این اصطلاحات را «به نحوی که شیخ عالم ربانی شیخ عبدالرزاق کاشانی به ترتیب حروف ایجاد نقل کرده از الف تا غین» آورده است. البته اصل عبارات عارف کاشانی در کتاب **اصطلاحات الصوفیۀ** او به عربی است و مرحوم خاتون آبادی آن را به فارسی برگردانده است و در واقع می‌توان این بخش از رساله ی کشف الحیرت را ترجمه کتاب کاشانی دانست.

نخستین اصطلاحی که در رساله کشف الحیرت آمده، واژه ی اتحاد و آخرین آن الطّب الروحانی است. البته خاتون آبادی تنها به ترجمه عبارات اکتفا نکرده و در پاره ای موارد به شرح و توضیح آنها و نقل عبارات حکمای مشاء و اشراق و استفاده ی از تعلیقات ملاصدرا مبادرت ورزیده است. همانطور که در ابتدای معرفی این رساله گفته شد، مطابق تنها نسخه ای که از رساله کشف الحیرت در دست است، این رساله ناقص بوده و مباحث مقدماتی آن نیز به پایان نرسیده است.

## منابع:

۱. خاتون آبادی، میر عبدالحسین، ۱۳۵۲. وقایع السنین والاعوام، تهران.
۲. خاتون آبادی، میرسید محمد اسماعیل، مخطوط. مجموعه رسائل.
۳. همو، میرسید محمد اسماعیل، مخطوط. تقویم الایمان و تحقیق الایقان، ج اول.
۴. همو، میرسید محمد اسماعیل، مخطوط. کشف الحیرت.
۵. همو، میرسید محمد اسماعیل، مخطوط. شرح اصول کافی، ۵ جلد.
۶. همو، میرسید محمد اسماعیل، مخطوط. جواب به شبهات و مسائل خراسانیات.
۷. خاتون آبادی، حسین، مخطوط. اعضاء الطیبه.
۸. آغابزرگ طهرانی، محمد محسن، ۱۳۷۲. الکواکب المنتشرة، تهران: دانشگاه تهران.
۹. آغابزرگ طهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۳. الذریعه، بیروت.
۱۰. جناب، سید علی، ۱۳۸۵، رجال و مشاهیر اصفهان اصفهان: اصفهان شناسی.
۱۱. حائری، عبدالحسین، ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱ و ۲ و ۳.
۱۲. حجتی، سید محمد باقر، ۱۳۴۵. فهرست کتب خطی دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
۱۳. اشکوری، سید احمد، ۱۳۷۵. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرعشی.
۱۴. درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹. فهرست دست نوشته های ایران، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۱۵. غلامی مقدم، براتعلی، ۱۳۷۶. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ج ۱۴.
۱۶. قزوینی، عبدالنبی، ۱۴۰۷. تتمیم امل الامل، قم: نجفی مرعشی.
۱۷. کرباسی زاده اصفهانی، علی، ۱۳۸۲. «رویارویی مدرسه ملا رجبعلی تبریزی با مدرسه ملا صدرای شیرازی». مجموعه مقالات همایش فاضل سراب.
۱۸. همو، ۱۳۹۰. «مبانی و ریشه های مکتب اخلاقی عرفانی تشیع در اندیشه و آثار مجلسی اول»، مجله تاریخ فلسفه، ش ۶، تهران: بنیاد صدرا.
۱۹. قمی، عباس، ۱۳۷۸. منتهی الآمال.
۲۰. گزی، عبدالکریم، ۱۳۷۰. تذکره القبور، تصحیح ناصر باقری بیدهدی، قم: مرعشی.
۲۱. مهدوی، سید مصلح الدین، ۱۳۷۰. سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، اصفهان.
۲۲. همایی، جلال الدین، ۱۳۸۱. تاریخ اصفهان، تهران: هما.